
The Qualitative Evaluation of the Thesaurus of Islamic Theology of the Research Center for Islamic Documents and Information Management; Content Evaluation

Kurosh Najibi¹

Abstract

The current article seeks to criticize and examine the valuable work "The Thesaurus of Islamic Theology", which was published for the first time in the history of the world, by observing the universal standards of thesauruses, and with the effort of Islamic Seminary and Academic scholars in Islamic Propagation Office of Qom Seminary. The author carries out this study to empower this valuable thesaurus and fix its shortcomings in the second edition as well as to enrich these types of studies in Islamic Republic of Iran, with the belief in the poor quality of research papers in the field of the Persian thesauruses evaluation. This critique and examination is a qualitative one that focuses on content based on theology and thesaurus compilation features. Hence, it concerns the structural empowerment of the thesaurus, the validity of its semantic relations and rules of its form. The method of this study is library research and based on description and analysis. Finally, recognizing the uniqueness of this work and its scientific and formative strength, this study points out some of the shortcomings in the form, structure and conceptual relations of the work and while providing the proposed new structure, offers solutions for the empowerment of semantic relationships and the rules of its form. It is hoped to consider these points in the next edition and also criticize and examine the thesauruses more seriously.

Keywords

Thesauruses, the Thesaurus of Islamic Theology, quantitative evaluation of thesaurus, qualitative evaluation of thesaurus, the Research Center for Islamic Documents and Information Management.

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy. najibi@isca.ac.ir

ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه کلام اسلامی پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی

کورس نجیبی*

چکیده

نوشتار حاضر درصدد نقد و بررسی اثر ارزشمند اصطلاح‌نامه کلام اسلامی است که نخستین بار در تاریخ جهان با رعایت استانداردهای جهانی اصطلاح‌نامه‌نویسی به کوشش جمعی از فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی در دفتر تبلیغات انقلاب اسلامی قم به منصفه ظهور رسید. نگارنده با اعتقاد به فقر مقالات پژوهشی در حوزه ارزیابی اصطلاح‌نامه‌های فارسی، این اقدام را در راستای تقویت این اصطلاح‌نامه با ارزش و رفع عیوب آن در ویرایش دوم و نیز با نگاه غنی‌سازی پژوهش‌هایی از این دست در کشور جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهد. این نقد و بررسی از نوع ارزیابی کیفی است که ناظر به حوزه محتوایی بر اساس دانش علم کلام و نیز ویژگی‌های تدوین اصطلاح‌نامه‌ها است؛ از این رو ناظر به اتقان ساختاری اصطلاح‌نامه، صحت روابط معنایی و قواعد شکلی آن است. روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و براساس توصیف و تحلیل است. این تحقیق درنهایت با اذعان به بی‌نظیربودن این اثر و قوت علمی و شکلی آن، اشکال‌هایی در جنبه‌های شکلی، ساختاری و ارتباطات مفهومی بر این اثر وارد می‌سازد و ضمن ارائه ساختار جدید پیشنهادی راهکارهایی برای اتقان بیشتر روابط معنایی و قواعد شکلی ارائه می‌کند. به این امید که در ویرایش بعدی به آن توجه شود و افزون بر آن بانی برای نقد و بررسی جدی اصطلاح‌نامه‌ها گشوده شود.

کلیدواژه‌ها

اصطلاح‌نامه، اصطلاح‌نامه کلام اسلامی، ارزیابی کمی اصطلاح‌نامه، ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی.

مقدمه

اصطلاح‌نامه^۱ موجود زنده‌ای است که حیات آن در استحکام ساختار، صحت روابط و رعایت استانداردهای کمی و کیفی و نیز شکلی و محتوایی است و استمرار حیاتش در پویایی و به‌روزرودنش است. این مهم در گرو رصد مداوم تحولات علم و افزودن اصطلاحات و روابط معنایی جدید و نیز ارزیابی و نظارت و آبیاری دائم و هرس کردن دائمی آن و چیدن شاخ و برگ‌های اضافی آن است؛ از این رو نقد و ارزیابی اصطلاح‌نامه یک ضرورت است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ص ۴۶).

از نقص‌های موجود در حوزه اصطلاح‌نامه‌نویسی در ایران می‌توان به نبود نهاد متولی اصطلاح‌نامه‌سازی در سطح ملی، کمبود متخصصان و کارشناسان و نیز ناآشنایی جامعه از ماهیت، کارکرد و کاربرد اصطلاح‌نامه‌ها اشاره کرد. افزون بر آن، در حوزه نقد و ارزشیابی اصطلاح‌نامه‌ها کمبود پژوهش دیده می‌شود. فعالیتی که قرار است پویا باشد و به‌صورت سیستماتیک و نظام‌مند ارائه شود، باید نقد و ارزشیابی شود که متأسفانه اصطلاح‌نامه‌های فارسی‌زبان کمتر نقد و بررسی شده‌اند. در حوزه اصطلاح‌نامه‌سازی در کشورمان پژوهش‌هایی که نقد‌محور باشند، بسیار محدودند. از دیگر مشکلات اصطلاح‌نامه‌سازها هزینه بالای ویرایش‌های جدید آنها است. ناکارآمدی و ناکارایی نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات در کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی از دیگر مشکلات اصطلاح‌نامه‌سازان به‌شمار می‌رود.^۲

در پاسخ به نیاز حوزه اصطلاح‌نامه‌نویسی و خلأ موجود در بخش نقد و ارزیابی اصطلاح‌نامه‌ها، این نوشتار به ارزیابی اصطلاح‌نامه کلام اسلامی اختصاص یافته است. هرچند این ارزیابی می‌تواند در دو حوزه کمی (آماري) و کیفی اتفاق بیفتند، برای پرهیز از

۱. «Thesaurus» گنج‌واژه یا اصطلاح‌نامه، مجموعه اصطلاحات یک رشته است که میان آنها روابط معنایی، رده‌ای و سلسله‌مراتبی برقرار شده و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با همه جنبه‌های اصلی و فرعی و وابسته، به‌گونه‌ای نظام‌یافته و به‌منظور ذخیره و بازیابی اطلاعات و مقاصد جنبی ارائه کند (حری و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۱: ص ۲۱۴).

۲. مریم کازرانی، گزارش نشست «ایجاد آنتولوژی بر پایه اصطلاح‌نامه‌های موجود»، سایت خبرگزاری کتاب ایران، <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/137008>

طولانی‌شدن آن، شایسته است این مقاله بیشتر بر بخش کیفی متمرکز شود، تا در آینده فرصتی مناسب برای نقد و ارزیابی کمی و آماری آن به طور مستقل فراهم شود. در این جستار ابتدا اصطلاح‌نامه کلام اسلامی و ویژگی‌های آن معرفی می‌شود؛ سپس پیشینه ارزیابی اصطلاح‌نامه، انواع ارزیابی و ملاک آن می‌آید و در نهایت به نقد محتوایی اصطلاح‌نامه کلام اسلامی پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های اصطلاح‌نامه کلام اسلامی

اصطلاح‌نامه کلام اسلامی مجموعه اصطلاحات استاندارد شده در حوزه علم کلام اسلامی است که فهرستی منظم از واژه‌های کلیدی و کاربردی آن حوزه، همراه با روابط معنایی بین آنها را ارائه می‌دهد (همو، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۲۷). این اثر مرجع دارای ویژگی‌های خاص و عوامل منحصر به فردی است که همه این ویژگی‌ها و عوامل دست به دست هم دادند تا نخستین اصطلاح‌نامه کلام اسلامی در جهان با سبک و شیوه مدرن و استاندارد جهانی در پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم که آن روزها با نام «واحد اصطلاح‌نامه علوم اسلامی» شناخته می‌شد، تدوین شود (همان: ص ۲۸-۲۹). در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۱. نخستین اصطلاح‌نامه تدوین شده در حوزه کلام اسلامی

اصطلاح‌نامه کلام اسلامی نخستین اصطلاح‌نامه تدوین شده در حوزه کلام اسلامی است که در دو جلد با ۱۴۰۰۰ اصطلاح در سال ۱۳۸۲ منتشر شد و برخلاف دیگر اصطلاح‌نامه‌های ایرانی ترجمه نبود و نمونه‌ای نداشت، بلکه اثری تولیدی و دارای نوآوری بود.

۲. به کارگیری متخصصان فنی و موضوعی

اصطلاح‌نامه کلام اسلامی حاصل کوشش جمعی از محققان حوزوی (پانزده نفر) است که برخی از آنان از جمله مسئول گروه، جناب آقای دکتر حسن زاده و چهار عضو دیگر آن در سطح دکترای تخصصی کلام اسلامی و بقیه در سطح کارشناسی ارشد کلام اسلامی با

این علم آشنا بوده‌اند. افزون بر آن، تمامی این عزیزان دوره‌های تخصصی اصطلاح‌نامه‌نگاری و نمایه‌سازی را زیر نظر استادان این فن از جمله استاد دکتر حری آموزش دیده و سال‌ها در این زمینه تجربه اندوخته بودند.

۳. بهره‌گیری از استادان مشاور شناخته‌شده

استادان مشاور این اثر هر یک در رشته خود شناخته‌شده و بنام بودند که عبارت‌اند از: آیت‌الله حسن ممدوحی، جناب آقای علی ربانی گلپایگانی و دکتر عباس حری.

۴. پوشش موضوعی کلام اسلامی

رده‌های اصلی کلام اسلامی با توجه به دو ویژگی تنظیم شده است و تقریباً تمامی موضوعات کلامی را پوشش می‌دهد.

الف) رده‌های اصلی

اصطلاحات این حوزه دارای ۱۸ رده اصلی‌اند:

ردیف	حوزه اصلی	ردیف	حوزه اصلی
۱	احکام کلامی	۱۰	فرجام‌شناسی
۲	افعال	۱۱	صفات
۳	ادیان	۱۲	عقاید
۴	انسان‌شناسی	۱۳	فرق کلامی
۵	جهان‌شناسی	۱۴	قواعد کلامی
۶	خداشناسی	۱۵	کلام عقلی
۷	راهنماشناسی	۱۶	کلام نقلی
۸	شریعت	۱۷	مذاهب کلامی
۹	ذات	۱۸	مسائل کلامی

ب) تعداد واژگان

ردیف	تعداد
۱	تعداد کل واژگان: ۱۴۸۱۴
۲	تعداد واژه‌های غیرمرجح: ۶۳۲۲
۳	تعداد واژه‌های اخص: ۹۶۳۵
۴	تعداد واژه‌های رأس: ۱۸
۵	تعداد واژه‌های وابسته: ۳۹۱۰

ج) منابع

تعداد منابع و مدارک بررسی شده بیش از ۱۸۱ مدرک است.

د) مدت زمان

این پژوهش به همت گروه پژوهشی کلام اسلامی در سال ۱۳۷۵ و با همکاری استادان مشاور آغاز شد و در سال ۱۳۸۲ به پایان رسید که در دو جلد با ۱۱۱۶ صفحه و ۱۴۸۱۴ اصطلاح به چاپ رسیده است. مجموعه گفته شده با مراجعه به بیش از ۱۸۱ منبع کلام اسلامی استخراج شده است.

ه) شکل نمایش

این اصطلاح‌نامه بر سه بخش الفبایی، نظام یافته و شکل گرفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۱۳-۳۹).

سیر تاریخی نقد و بررسی اصطلاح‌نامه‌ها

اصطلاح‌نامه‌ها را می‌توان از لحاظ ماهیت، ساختار، روابط مفهومی، کارکرد و تعامل آنها ارزیابی کمی و کیفی کرد. این مهم از دهه هفتاد میلادی آغاز شد و در ده هشتاد به شکل نظام‌مند و عمیقی استمرار یافت، به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۴ ارزیابی اصطلاح‌نامه‌ها در

بستر پایگاه‌های اطلاعاتی و پس از آن ارزیابی اصطلاح‌نامه‌های خودکار مد نظر قرار گرفت. دهه نود آغاز دوره تشریح کاربرد نتایج حاصل از ارزیابی اصطلاح‌نامه در نظام ذخیره و پردازش اطلاعات بود. در سال ۲۰۰۰ که سرآغاز قرن بیست‌ویکم میلادی است، مقوله ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه‌های خودکار مطرح می‌شود و سپس با طرح مباحثی درباره نیازهای اطلاعاتی، ابر داده‌ها و ذخیره و بازیابی اطلاعات در نظام‌های شبکه‌ای تأثیر ارزیابی اصطلاح‌نامه بر هر یک از این مباحث مد نظر قرار می‌گیرد. همچنین این روند تاکنون ادامه دارد و ارزیابی اصطلاح‌نامه‌ها و تأثیرشان در حوزه‌هایی همچون علم‌سنجی، تدوین اصطلاح‌نامه‌های هوشمند و نمایه‌سازی هوشمند و ایجاد کتابخانه‌های دیجیتال و بانک‌های اطلاعاتی مورد توجه است (امیرحسینی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۰).

ارزیابی اصطلاح‌نامه‌ها، انواع

روش‌های متفاوتی برای ارزیابی اصطلاح‌نامه وجود دارد که در یک دید کلان این روش‌ها برای مدیریت نگهداری و استمرار اصطلاح‌نامه‌ها است. به‌طور کلی این ارزیابی‌ها در حوزه ارتباطات اصطلاح‌نامه‌ای و روابط میان اصطلاحات یک حوزه خاص از دانش است (که شامل روابط سلسله‌مراتبی، هم‌ارزی و وابستگی می‌شود)، همچنین ویژگی‌های اصطلاحات (اعم از توصیف‌گر و غیرتوصیف‌گر بودن، تعداد کلمات توصیف‌گرها و تعداد ارجاعات آنها) و ویژگی‌های اصطلاح‌نامه‌ها (کیفیت محتوا، ساختار فیزیکی و تخصصی یا عام بودن آنها) است (همان: ص ۱۰۳). اصطلاح‌نامه‌ها را می‌توان بر اساس معیارهای کمی و کیفی ارزیابی کرد.

الف) ارزیابی کمی یا آماری

منظور از ارزیابی کمی یا آماری، ارزیابی‌های عددی است که به منظور سنجش اصطلاح‌نامه‌ها از طریق روش‌های علمی آمارگیری ارائه می‌شود؛ مانند تعداد ارجاعات، تعداد وابسته‌های یک اصطلاح و تعداد توصیف‌گرها که بر اساس قواعدی خاص انجام می‌گیرد (ر.ک: ادامه مقاله).

ارزیابی کمی یا آزمون‌های آماری

علاوه بر ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه، برخی آزمون‌های آماری نیز به منظور سنجش اصطلاح‌نامه‌ها ارائه شده است؛ به طور مثال می‌توان تعدادی از واژه‌های کنترل‌شده را از دیدگاه «نسبت پیوستگی» یا ارتباط و «میزان دسترسی» بررسی کرد. نسبت پیوستگی یا ارتباط، نسبت ارجاع‌های متقابل اصطلاحات (یا ارجاع‌های دوسویه) به تعداد کل اصطلاحات موجود در واژگان کنترل‌شده است. میزان دسترسی نیز تعداد متوسط ارجاع‌هایی است که اصطلاحات مرجح دریافت می‌کنند؛ برای مثال «میزان دسترسی» معادل عدد $2/923$ ، بیانگر آن است که به طور متوسط، به هر اصطلاح در واژگان دست‌کم سه اصطلاح دیگر ارجاع داده شده است. این معیارها میزان ارتباط میان اصطلاحات را نشان می‌دهند (حری، ۱۳۸۱، ج ۱: ص ۲۱۷-۲۱۸).

در این زمینه، معیارها و آزمون‌های دیگری نیز ارائه شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. نسبت تعادل: در این روش بر اساس فرمولی خاص نسبت اصطلاحات نامرجح به اصطلاحات مرجح در مجموعه اصطلاحات محاسبه می‌شود.
۲. نسبت تقابل: در این روش میزان دوسویگی روابط اعم، اخص و همبسته بررسی می‌شود.
۳. تصریح: این معیار را با معادله $b-ab$ نمایش می‌دهند که در آن حرف a نماینده تعداد توصیف‌گرهایی است که به سبب فقدان یادداشت دامنه، توضیح‌گر و روابط سلسله‌مراتبی، مبهم و نامشخص‌اند و حرف b نشان‌دهنده تعداد کل توصیف‌گرها در مجموعه اصطلاحات است.
۴. انعطاف‌پذیری: در این روش نسبت کلمات در توصیف‌گرهای چندکلمه‌ای که ممکن است در واژگان به صورت اصطلاح مرجح یا غیرمرجح آمده باشند، سنجیده می‌شود.
۵. سطح پیش‌همارایی: تعداد متوسط کلمات در هر توصیف‌گر است.
۶. حدود و دامنه گروه‌های اصطلاحات: گروه دسته‌ها و رده‌ها در هر اصطلاح‌نامه است. این معیار تعداد اصطلاحات مندرج یا سیاه‌شده در گروه‌های اصطلاحات و در واقع اندازه گروه‌های اصطلاحات را بررسی می‌کند (همان).

ب) ارزیابی کیفی

اصطلاح‌نامه را می‌توان نخست از طریق نقد و بررسی کیفی ارزیابی کرد و ویژگی‌هایی را که وجود آنها در هر اصطلاح‌نامه جامع ضروری است، سنجید، از جمله اینکه:

۱. آیا اصطلاح‌نامه دارای مقدمه‌ای دقیق و مناسب است که در آن حدود، دامنه و ویژگی‌های خاص آن بیان شده باشد؟
 ۲. آیا نشانه‌های مناسب در اصطلاح‌نامه وجود دارد؟
 ۳. آیا مفاهیم و اصطلاحات مبهم روشن شده‌اند؟
 ۴. آیا همه ارتباطات متقابل میان اصطلاحات به‌درستی برقرار شده است؟ (همان).
- به طور خلاصه ارزیابی کیفی در دو حوزه شکلی و محتوایی (ساختاری و روابط مفهومی) انجام می‌گیرد که در ادامه بیشتر تبیین می‌شوند:

۱. ارزیابی شکلی

ارزیابی شکلی خود در دو بخش می‌تواند محقق شود:

۱-۱. ارزیابی بستر ارائه اصطلاح‌نامه: یک اصطلاح‌نامه می‌تواند در قالب نشر چاپی یا الکترونیکی یا در بستر وب ارائه شود. در تمامی این موارد ضوابطی برای ارزیابی آن وجود دارد؛ برای مثال اگر در قالب کتاب ارائه شود، بررسی می‌شود که آیا مقدمه‌ای دقیق و مناسب برای آن نوشته شده است که در آن حدود، دامنه و ویژگی‌های خاص خوبی تبیین شده است یا نه (همان).

۱-۲. ارزیابی شکلی خود اصطلاح‌نامه و اصطلاحات آن: در ارزیابی شکلی بیشتر به رعایت قواعد صوری توجه می‌شود؛ یعنی دستورهایی که مرتبط با شکل ظاهری اصطلاح است، مثل مفرد یا جمع‌بودن، عربی یا فارسی‌بودن اصطلاحات و نیز نشانه‌های مناسب همچون یادداشت دامنه‌ها یا توضیح گره‌های مناسب و وجود نمایش‌های الفبایی، نظام‌یافته و ترسیمی (همان).

۲. ارزیابی محتوایی

ارزیابی محتوایی را می‌توان در دو بخش انجام داد؛ در بخش اول بر ساختار کلی و در بخش دوم بر روابط معنایی تمرکز کرد (همان).

ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه کلام اسلامی

در این نوشتار فقط به ارزیابی کیفی اصطلاح‌نامه کلام اسلامی پرداخته می‌شود و ارزیابی کمی آن مجال دیگری می‌طلبد. در ارزیابی کیفی ابتدا نیم‌نگاهی به ساختار اصطلاح‌نامه می‌شود و ضمن بیان اشکال‌های آن، ساختار پیشنهادی ارائه و در ادامه روابط «معنایی» و «شکلی» ارزیابی می‌شود.

الف) ارزیابی ساختاری

۱. ساختار موجود (رده‌های اصلی)

این اصطلاح‌نامه دارای ۱۸ رده اصلی است که عبارت‌اند از:

ردیف	حوزه اصلی	ردیف	حوزه اصلی
۱	احکام کلامی	۱۰	فرجام‌شناسی
۲	افعال	۱۱	صفات
۳	ادیان	۱۲	عقاید
۴	انسان‌شناسی	۱۳	فرق کلامی
۵	جهان‌شناسی	۱۴	قواعد کلامی
۶	خداشناسی	۱۵	کلام عقلی
۷	راهنماشناسی	۱۶	کلام نقلی
۸	شریعت	۱۷	مذاهب کلامی
۹	ذات	۱۸	مسائل کلامی

به نظر می‌رسد در آن، نه رعایت تقسیمات موجود در کتاب‌های کلامی شده و نه ترتیب منطقی میان آنها رعایت شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۲۸).

ساختار پیشنهادی

همه متکلمان معتقدند که در علم کلام از خداوند متعال در سه بخش سخن می‌آید: ۱. ذات الهی و توحید؛ ۲. صفات الهی؛ ۳. افعال الهی. بر این اساس لازم می‌بود رده‌های اصلی علم کلام شامل این سه رده اصلی باشد (جرجانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۰؛ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۱: ص ۲۳۱-۲۳۲).

علم کلام

۱. ع: علوم اسلامی

۱. خ: شناخت ذات الهی

شناخت صفات الهی

شناخت افعال الهی

امور عامه

۱. شناخت ذات الهی

در بخش شناخت ذات الهی از مباحثی همچون: خداشناسی، اثبات وجود خدا، راه‌های اثبات وجود خدا، شناخت ذات الهی، ادله اثبات خدا، تجرد ذات الهی، بساطت ذات، وحدت ذات (توحید ذات)، وحدت حقه حقیقه و مانند آن سخن به میان می‌آید، برای مثال:

شناخت ذات الهی

بج: معرفت ذات الهی

خداشناسی

۱. منظور اصطلاح اعم است.

۲. منظور اصطلاح اخص است.

۳. منظور اصطلاح هم‌ارز یا مترادف است.

ی.د^۱: مراد مباحث شناخت ذات الهی و اثبات وجود خدا است.

ا.ع: علم کلام

ا.خ: وحدت ذات

تجرد ذات

بساطت ذات

اثبات وجود خدا

۲. شناخت صفات الهی

در بخش شناخت صفات الهی از مباحثی همچون اتحاد ذات و صفات، اضافه صفات بر ذات، صفات ثبوتیه، صفات سلبيه، علم الهی، قدرت الهی، حیات الهی، سمع الهی، بصر الهی، تکلم الهی، اراده الهی، صفات ذات، صفات فعل، صفات اضافی و صفات غیراضافی سخن به میان می‌آید.

۳. شناخت افعال الهی

در بخش شناخت افعال الهی از مباحثی همچون آفرینش انسان یا انسان‌شناسی، آفرینش جهان یا جهان‌شناسی، عدالت، حکمت، خلق، ارسال انبیاء، نبوت، امامت و معاد (حساب رسی به اعمال بندگان)، دین، شریعت سخن به میان می‌آید که به لحاظ نظم منطقی و بحثی بسیار نزدیک به واقعیت است.

۴. امور عامه

ذیل امور عامه (مبانی تصویری و تصدیقی علم کلام) از مباحثی همچون وجود و عدم، ماهیت، علت و معلول، جواهر و اعراض، اجسام، عقول مجرد و نفس ناطقه سخن به میان می‌آید (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۱-۱۱۴).

۱. منظور یادداشت دامنه است.

اشکال‌های ساختار موجود

۱. تداخل اقسام

انسان‌شناسی و جهان‌شناسی در عرض خداشناسی مطرح شده است؛ درحالی که اینها در طول خداشناسی‌اند. کسی که خدا را شناخت، این را خواهد دانست که او خالق است و انسان و جهان هر دو را خلق کرده است؛ بنابراین این دو منطقاً نمی‌توانند در کنار خداشناسی مطرح شوند.

برخی در تعریف علم کلام آورده‌اند که علمی است که از عقاید یا اصول دینی یا عقاید یا اصول ایمانی (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳، ج ۲: ص ۹۳۲؛ ابن‌میثم بحرانی، ۱۴۰۶ق: ص ۳-۷) یا اثبات عقاید دینی (جرجانی، ۱۳۲۵ق، ج ۱: ص ۶۱) بحث می‌کند؛ بنابراین برخی از مواردی که هم‌عرض این اصطلاح آمده‌اند، در واقع اخص از آن هستند، همچون انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی و فرجام‌شناسی.

اصطلاحات فرق کلامی، مذاهب کلامی و قواعد کلامی از اصطلاحات مربوط به فلسفه علم کلام‌اند و نه کلام؛ بنابراین در رده اول نباید بیایند؛ اما اگر اعتقاد بر این است که مسائل مربوط به فلسفه علم کلام نیز باید اینجا مطرح شود، باید عنوان فلسفه علم کلام یا کلیات کلامی اخذ شود و این مطالب همه در ذیل آن قرار گیرند؛ هرچند جایگاه منطقی فلسفه علم کلام این است که با علم کلام وابسته شود.

۲. رده اصلی شدن اصطلاحات مبهم

یکی از خصوصیات اصطلاحات، روشن بودن آنها و نیز مقبولیت نزد اهل عرف خاص و کارشناسان آن علم است. در اصطلاح‌نامه کلام اسلامی اصطلاحاتی در ردیف اصطلاحات رده اصلی قرار گرفته‌اند که نه مقبولیت نزد عرف خاص دارند و نه مفهوم روشن، همچون صفات و افعال. آنچه در علم کلام از آن بحث می‌شود، صفات الهی و افعال الهی است، نه مطلق صفات و افعال. این دو اصطلاح اگر هم مطرح می‌شوند باید وابسته شوند؛ یعنی افعال به افعال الهی، و صفات به صفات الهی وابسته شود.

افزون بر آنچه گفته شد، برای صفات یادداشت دامنه‌ای آورده شده است و از طریق آن

خواسته‌اند توجه کنند که چرا صفات یا افعال به‌عنوان رده اصلی آورده شده است که اشکالاتی بر آن وارد است.

الف) صفات:

ی.د: مراد از آن، معنای عامی است که شامل صفات الهی، صفات انبیا، صفات ملائک، صفات دیگر موجودات و مجموع صفاتی که به نوعی در علم کلام از آنها بحث می‌شود.

بج: صفت

ا.ع: کلام اسلامی

این دامنه مفهومی درباره اصطلاح «صفات» به نظر نگارنده در علم کلام وجود ندارد و به‌عنوان اصطلاح در هیچ‌یک از کتاب‌های کلامی از آن بحث نشده است.

ب) افعال:

ی.د: مراد از آن مطلق فعل است، خواه در سعادت و شقاوت مؤثر باشد یا نباشد و شامل فعل قلبی و مانند آن نیز می‌شود.

واقعاً هیچ وقت اصطلاح فعل آن هم با این معنای گسترده صلاحیت ندارد به‌عنوان اصطلاح رده اصلی علم کلام مطرح شود، بلکه آنچه در علم کلام مطرح است، شناخت افعال الهی است و اصطلاح افعال فقط می‌تواند به آن وابسته شود.

ج) ذات (عام)

ی.د: مراد از آن مطلق چیزی است که از او خبر داده می‌شود و قائم به نفس است، اعم از ذات الهی و غیر الهی. به این اصطلاح نیز اشکال‌های قبلی وارد است.

۳. دقیق نبودن روابط

به نظر می‌رسد مسائل کلامی با علم کلام رابطه «وابستگی» دارند، نه اعم و اخص. با

نگاهی به دیگر اصطلاح‌نامه‌های موجود مثل اصطلاح‌نامه اصول فقه به دست می‌آید که مسائل یک علم با آن علم رابطه وابستگی دارند (ر.ک: اصطلاح‌نامه اصول فقه). همین اشکال درباره قواعد کلامی نیز به چشم می‌خورد. علت آن این است که هر یک از انسان‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی و راهنماشناسی یک موضوع است برای یک مسئله کلامی یا قضیه کلامی، آن وقت چگونه می‌توانند در عرض مسائل کلامی قرار گیرند. فرق وجود دارد میان اصطلاح یک علم مثل خداشناسی و مسئله آن علم یعنی خداوند واحد است یا خداوند شریک ندارد. فرق است میان اعجاز که یک موضوع کلامی است و اینکه معجزه دلیل نبوت است که یک مسئله کلامی است. در اصطلاح‌نامه، موضوعات یک علم در ساختاری منطقی مورد توجه قرار می‌گیرند و به مسائل آن علم وابسته هستند.

ب) همین اشکال به اصطلاحات فرق کلامی و مذاهب کلامی نیز وارد است.

ب) ارزیابی روابط معنایی و شکلی

افزون بر اشکال‌های کلی همچون کم‌بودن روابط وابستگی که بسیار مشهود است و نبود لحاظ‌ها در جداسازی اخص‌های یک اصطلاح و نبود جداسازی اصطلاح‌های مرکب با فاصله‌گذاری (اسپیس) و رعایت نکردن شکل فارسی‌نویس (بسیاری از اصطلاحات واقعاً عربی‌اند، نه فارسی) و وجود اعلام در اصطلاح‌نامه (برای مثال اخذ نام‌های مصادیق راویان حدیث غدیر که در هیچ‌یک از اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی سابقه ندارد) که به دلیل ترس از طولانی‌شدن مطلب، از بیان جزئیات آن صرف نظر می‌شود، در بخش روابط معنایی در عین وجود محاسن بسیار و دقت‌های عالمانه که شایسته قدردانی است، اشکال‌هایی به نظر می‌رسد که برطرف کردن آنها به ترفیع و استحکام این بنای نوساز کمک شایانی می‌کند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. وجود برخی مشترکات لفظی بدون توضیح‌دهنده

در مواردی مشترکات لفظی وجود دارد که هیچ‌گونه توضیح برای جداسازی آنها از یکدیگر به کار گرفته نشده است، همچون آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» که اعم آن «آیات امامت امام علی (علیه السلام)» است. این آیه تا این اندازه که تقطیع شده است، در دو آیه

قرآن آمده است، نخست آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹) و دوم آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) و تنها یکی از آنها به‌عنوان آیه اثبات‌کننده امامت امام علی (علیه السلام) آمده است. همچنین درباره آیه «و لا تقتلوا» این اشکال وجود دارد که در جاهای مختلف قرآن (همچون: اسراء: ۳۳؛ انعام: ۱۵۱؛ نساء: ۲۹) به‌کار رفته است و در اصطلاح‌نامه بدون توضیح‌دهنده آمده است.

۲. به‌کارنگرفتن برخی از اصطلاحات مشهور

برخی اصطلاحات که در میان اهل کلام و فلسفه مشهورند، حتی بیج نشده‌اند، مثل «توارد علتین بر معلول واحد»؛ درحالی‌که اصطلاح غیرمشهور آن یعنی «اجتماع دو علت بر معلول واحد» به‌کار گرفته شده است و حال آنکه معنای دقیق توارد را نمی‌رساند. همچنین «صور مثالی» در کنار «صور عقلی» لازم بود به‌کار گرفته شود و آن‌گاه آن را بر دو بخش تقسیم می‌کردند: ۱. «صور مثال متصل» که همان «صور خیالی» است؛ ۲. «صور مثال منفصل» که همان صور عالم برزخ یا «صور برزخی» است. در مواردی لازم بوده است که اصطلاحی به‌کار گرفته شود، اما نشده است؛ برای مثال اصطلاح «عده نقبای بنی اسرائیل» به‌کار رفته است؛ اما خود اصطلاح «نقبای بنی اسرائیل» موجود نیست.

در ذیل اصطلاح «عصمت» سه اخص اصلی عصمت که عبارت‌اند از «عصمت در تلقی»، «عصمت در حفظ» و «عصمت در ابلاغ» به یک لحاظ واحد گرفته نشده‌اند. اخص‌های عقل نظری که بسیار معروف‌اند، به‌کار گرفته نشده‌اند که عبارت‌اند از: «عقل هیولانی»، «عقل بالملکه»، «عقل بالفعل» و «عقل مستفاد» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۴۲۰؛ محقق طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۳۵۳-۳۵۴؛ همو، ۱۳۷۴: ص ۱۷۴؛ حلی، ۱۴۱۳: ص ۲۳۴-۲۳۵). همچنین اخص‌های عقل عملی نیز به‌کار گرفته نشده‌اند. برای عقل عملی چهار مرتبه ذکر شده است که به ترتیب، تهذیب ظاهر، تطهیر باطن، ملکه اتصال و ملاحظه جلال‌اند (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ص ۱۴۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۲۲۷). برخی این مراتب را به ترتیب «تجلیه»، «تخلیه»، «تحلیه» و «فنا» گفته‌اند (سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۵: ص ۱۷۷).

در اخص‌های «علت»، اصطلاح «علت خارجی» به کار گرفته شده است؛ اما مقابل آن که «علت داخلی» است، نیامده است. نکته دیگر این است که «علت داخلی» به «علت صوری» و «علت مادی» تقسیم می‌شود که این کار انجام نشده است. همچنین «علت خارجی» به «علت فاعلی» و «علت غایی» تقسیم می‌شود که این مسئله نیز رعایت نشده است؛ بنابراین اخص‌های علت دارای به هم ریختگی است.

«علت ناقصه» به «مقتضی»، «شرط» و «عدم مانع» تقسیم می‌شود و این سه باید اخص آن باشند، که این‌طور عمل نشده و تنها مقتضی را در قالب «علت مقتضی»، اخص آن آورده‌اند.

لازم است «علم لدنی ائمه علیهم‌السلام» به کار گرفته شود و اخص «علم لدنی» شود. اکنون «علم خدادادی ائمه علیهم‌السلام» اخص «علم لدنی» است که اولاً خدادای با فطری هم می‌سازد که بقیه انسان‌ها نیز علم خدادادی فطری دارند؛ هرچند همه علم لدنی ندارند؛ ثانیاً لازم است که این اصطلاح بجز شود برای «علم لدنی ائمه علیهم‌السلام».

در اصطلاح‌نامه «فاعل بالتجلی» که از اقسام فاعل است، به کار گرفته نشده است. «فیض الهی» به کار گرفته شده است؛ اما «دوام فیض الهی» نیامده است با اینکه موضوع بسیار مهمی است.

۳. اشتباه در روابط مفهومی

هرچند اصطلاح‌نامه کلام از علمیت خوبی برخوردار است و بیشتر روابط مفهومی آن درست است، در مواردی اشتباهات و نقص‌هایی به چشم می‌آید که رفع آنها جامعیت این کتاب را بیشتر خواهد کرد. در ادامه به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

الف) اشتباهات در بک و بیج

۱. در اصطلاح متکلمان، عالم کون و فساد همان عالم کون است که عالم مادی عنصری و تحت مقعر فلک قمر است که مقابل عالم مادی فلکی است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ص ۵۱)؛ در حالی که در اصطلاح‌نامه، عالم کون را با عالم بک و بیج کرده‌اند. در حقیقت اینجا تحت تأثیر اصطلاح فلسفی عالم کون قرار گرفته‌اند که در برخی کاربردها به

معنای عالم امکان است و در برخی کاربردها به معنای عالم مادی عنصری است و هیچ گونه یادداشت دامنه‌ای برای آن گذاشته نشده است. آنچه این اشتباه را روشن می‌کند این است که برای عالم ماده دو تا بیج آورده‌اند که در حقیقت این دو اخص‌اند؛ چراکه عالم ماده طبق نظر متکلمان یا عالم مادی عنصری است یا عالم مادی فلکی (ر.ک: مدخل عالم در فرهنگ‌نامه کلام اسلامی).

۲. در اصطلاح «موجود» بدون هیچ گونه یادداشت دامنه‌ای «موجود» و «وجود» با هم بک و بیج شده‌اند که این کار طبق اصول اصطلاح‌نامه بدون یادداشت دامنه درست نیست؛ چراکه موجود عبارت است از ذاتی که وجود دارد و متصف به صفت وجود است و وجود معنا و وصف است و روشن است که ذات و معنا نمی‌توانند با هم بک و بیج شوند؛ پس باید در یادداشت دامنه علت این کار بیان شود. افزون بر آن، کون نیز با موجود بک و بیج شده است که کون دست‌کم سه کاربرد در علم کلام و فلسفه دارد: الف) مطلق وجود (سجادی، ۱۳۶۰: ص ۳۹۲؛ ب) آنچه مقابل فساد است، یعنی حرکت دفعی خروج از قوه به فعل؛ ج) قرارگرفتن جسم در حیّز و مکان (جرجانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۱). پس نیاز به توضیح‌دهنده دارد.

۳. در اصطلاح «برهان تمانع» که از براهین و ادله توحید است، یکی از بیج‌های آن «دلیل توارد» است. این درحالی که بلافاصله پس از آن، اصطلاح «برهان توارد» به‌عنوان دلیل دیگر بر توحید آمده است!!!

۴. «عقل سلیم» بیج شده است برای عقل (قوه) که به نظر اشتباه می‌آید؛ زیرا عقل (قوه) می‌تواند عقل سلیم باشد و عقل غیرسلیم؛ چون عقل سلیم عقلی است که تسلیم حق تعالی باشد و ایمان بیاورد؛ اما عقل غیرسلیم درواقع از لشکریان ابلیس است. افزون بر آن «عقول سلیمه» نیز در کنار «عقل سلیم» بیج دیگری برای «عقل (قوه)» قرار داده شده است که نادرست است؛ زیرا خود عقل سلیم و عقول سلیمه با هم بک و بیج هستند!!!!

۵. «علم حضوری واجب به حوادث» باید با «علم حضوری واجب به مادیات» بک و بیج شود؛ زیرا متکلم عالم ماده را حادث می‌داند.

۶. درحالی که در اصطلاح‌نامه «نفوس» و «ارواح» وابسته‌اند، «فناى روح» و «فناى نفس» بک و بیج شده‌اند که به نظر نادرست است.

۷. «قبر» و «عالم برزخ» بک و بچ شده‌اند. این رابطه بر مبنای کسانی است که عالم برزخ را پذیرفته‌اند، یعنی فیلسوفان اشراقی و حکیمان حکمت متعالیه، و گرنه بر مبنای متکلمان و فیلسوفان مشاء که عالم برزخ را نپذیرفته‌اند، این رابطه درست نیست یا دست کم نیاز به یادداشت دامنه است.

۴. اشتباه در اعم و اخص

الف) فیلسوفان مشاء و متکلمان، موجود ممکن یا فعل الهی را به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱. مبدعات؛ ۲. مخترعات؛ ۳. مکونات.

۱. مبدعات: موجوداتی‌اند که در وجودشان محتاج به ماده و مدت نیستند و به بیان دیگر مجرد تام‌اند؛ مانند عقول مفارقه که نه ماده دارند (تا آنکه قابل و مستعد پذیرای صور باشند) و نه مدت (تا آنکه در زمان قرار گیرند)؛ به بیان دیگر نه مادی‌اند و نه زمانی (میرداماد، ۱۳۸۵: ص ۴۶)؛ به دیگر سخن، مبدعات موجوداتی‌اند که نه مسبوق به ماده‌اند و نه مسبوق به مدت، مثل عوالم کلی عقول و هیولای اولی و صورت نخستین. این گروه معتقدند باری تعالی هیولا و صورت نخستین را همراه هم ابداع کرد: «الهیولی الاولی، مبدعة و الصورة الاولی، مبدعة ابدعهما الباری معاً» (ابن سینا، ۱۳۷۹: ص ۱۶۷).

۲. مخترعات: موجوداتی‌اند که در خلقت، فقط محتاج به ماده‌اند؛ همچون افلاک و اجرام علوی که ماده فلکی دارند (بنابر طبیعیات قدیم)؛ ولی مسبوق به مدت نیستند. به بیان دیگر مادی هستند - هرچند ماده آنها ماده فلکی است و نه ماده عنصری - اما زمانی نیستند، بلکه قدیم‌اند؛ خود اصل ماده اینگونه نیز است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۲-۵: ص ۴۵۳-۴۵۴)؛ به دیگر بیان، مخترعات مسبوق به ماده‌اند؛ ولی مسبوق به زمان نیستند، مثل خود زمان و فلک و فلکیات (سبزواری، ۱۳۶۹: ص ۱۸۷) و عکس آن که مسبوق به زمان (حادث زمانی) باشد، نه مسبوق به ماده، در ابتدای نظر تحقق دارد؛ ولی با دقت نظر، در خارج، واقعیت ندارد.

۳. مکونات: موجوداتی‌اند که در وجودشان هم محتاج به ماده‌اند و هم به مدت که مصداق آن عالم عناصر (مادون فلک قمر) است که به آن عالم کون و فساد نیز می‌گویند؛ از این رو کون و فساد فقط در مکونات صادق است، نه در مخترعات (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ص ۵۱). به دیگر بیان، مکونات موجوداتی‌اند که هم مسبوق به ماده‌اند و هم مسبوق به

مدت؛ مانند تمام حوادث مادی نظیر سقوط فلان شیء که هم در مدتی بوده است و زمانی بر آن گذشته است و قبل از آن زمان نبوده و هم در حیطه ماده و جسم بوده است.

اما در اصطلاح‌نامه کلام اسلامی اولاً این تقسیم به روشنی بیان نشده است؛ ثانیاً اعم آن نادرست به نظر می‌رسد؛ چراکه اعم آن «موجود» گرفته شده است و نه «موجود ممکن» و این اشتباه سبب شده است که اصطلاح «ممكن الوجود» در عرض «مبدعات» قرار گیرد؛ درحالی که اخص آن است؛ افزون بر اینکه اثری از اصطلاح «مخترعات» در اخص‌ها نیست؛ بنابراین این سه اولاً باید زیرمجموعه «موجود ممکن» باشند و ثانیاً با این شکل خاص که در کتاب‌های کلامی مشهورند، به کار گرفته شوند و دیگر اشکال بیج آنها قرار گیرند و ثالثاً با یک لحاظ خاص از دیگر اخص‌ها جدا شوند.

ب) لازم است دانسته شود که فعل مخترع نزد متکلمان با مخترعات نزد فیلسوفان فرق دارد؛ چراکه مخترعات زیرمجموعه افعال الهی یا موجود ممکن است؛ اما فعل مخترع در قالب تقسیم ذیل، زیرمجموعه افعال است و به این موضوع در اصطلاح‌نامه کلام هیچ‌گونه توجهی نشده است.

در اصطلاح متکلمان مسلمان افعالی را که از فاعل صادر می‌شوند، به سه دسته تقسیم می‌کنند: فعل یا در محل (جسم) نیست؛ یعنی حدوثش در جسمی نیست که به آن مخترع گفته می‌شود یا در محل هست و دومی یعنی فعل حادث در محل (جسم) یا صدورش از فاعل بی‌واسطه فعل دیگر است که مباشر نامیده می‌شود، یا به واسطه فعل دیگر است که متولد نام دارد (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ص ۵۶۶)؛ بنابراین:

۱. فعل مباشر: فعلی است که مستقیم و بی‌واسطه از فاعل صادر می‌گردد یا به دیگر سخن فعلی است که ابتدا و بدون وساطت فعل دیگر از فاعل صادر می‌شود؛ برای مثال در پرتاب سنگ که در نتیجه قدرت حرکت دست فاعل انجام می‌شود، حرکت دست فعل مباشر و حرکت سنگ فعل متولد است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۱۴؛ قوشچی، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۳۴۸؛ شعرانی، بی‌تا: ص ۴۳۶).

۲. فعل متولد یا فعل تسبیبی: فعلی است که به وساطت سبب دیگری از فاعل صادر می‌شود؛ بنابراین فعل متولد با واسطه با فاعل مرتبط است؛ بنابراین از قدرت فاعل ابتدا عملی صادر می‌شود و آن تحریک عضلات دست است؛ سپس عمل دوم که حرکت

سنگ و پرتاب آن است، صورت می‌گیرد؛ سپس به سبب آن عمل (پرتاب سنگ)، عمل دیگر یعنی کشته‌شدن حیوانی در خارج محقق می‌گردد. فعل دوم و سوم را فعل متولد گویند. در اینجا فعل مباشر (تحریک عضلات و حرکات دست) سبب است برای پرتاب‌شدن سنگ و پرتاب سنگ سبب کشته‌شدن حیوان است؛ اما فعل متولد اول با یک واسطه و فعل متولد دوم با دو واسطه به فعل مباشر ارتباط و انتساب دارد؛ بنابراین فعل متولد معلول و مسبب است از فعل مباشر. همچنین در فاعل طبیعی، مثلاً در سنگی که به طرف پایین سقوط می‌کند، ابتدا میل (اعتماد) به پایین ایجاد می‌شود که میل طبیعی در سنگ است و سپس به سبب این میل، سنگ به سمت پایین حرکت می‌کند. این میل و اعتماد در سنگ فعل مباشری و حرکت ناشی از میل به سمت پایین فعل متولد است (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ص ۵۶۶).

۳. فعل مخترع: فعلی است که در هیچ محلی واقع نشود، بلکه از کتم عدم به وجود می‌آید و پیش از آن فعل، هیچ‌گونه محل و موضوعی در کار نیست؛ مثل ایجاد فرشتگان و خلق عوالم وجود که سابقه عدم دارند یا مثل ایجاد اصل ماده و جسم که در جسم دیگری نیست؛ زیرا قبل آن محل یا جسمی وجود ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۱۳-۳۱۵). این تقسیم هرچند در اصطلاح‌نامه کلام اسلامی در ذیل «افعال» آمده است، به این نکته که افعال مخترع چه ارتباطی با مخترعات دارند، اشاره نشده است؛ درحالی که لازم بود از طریق توضیح‌گر و یادداشت دامنه این موضوع روشن شود.

ج) در برخی اخص‌های اصطلاح «خداشناسی» اشکال به نظر می‌رسد، همچون «راه‌های خداشناسی» و «احکام خداشناسی» که طبق ضوابط اصطلاح‌نامه باید وابسته می‌شدند. د) همچنین در اخص‌های عصمت به هم‌ریختگی زیادی وجود دارد و نیاز به تنظیم دوباره است؛ برای مثال هم «عصمت عملی» به کار رفته است و هم «عصمت در افعال» یعنی این دو در عرض هم اخص شده‌اند؛ درحالی که عصمت در افعال از اخص‌های عصمت عملی است.

ه) «علم افاضی امام» برای «علم الهامی» اخص شده است؛ درحالی که «علم افاضی» شامل وحی، الهام، تحدیث و رؤیای صادقه است؛ بنابراین علم الهامی از اقسام علم افاضی است. از طرفی «علم افاضی» و «علم الهامی» بک و بچ شده‌اند که این نیز نادرست است.

و) فواید در مقابل اهداف به غایات تبعی گفته می‌شود؛ اما در اصطلاح‌نامه «غایت تبعی بعثت انبیا» اخص «فواید بعثت انبیا» گرفته شده است که به نظر نادرست است.

۵. نامناسب بودن شکل و ظاهر برخی اصطلاحات و اشتباه‌انداز بودن آنها

یکی دیگر از اشکال‌های این اصطلاح‌نامه استفاده از اصطلاحات به شکلی است که رهنزاند و نباید به این شکل به کار روند؛ همچون «ضاللت انبیا» که بهتر بود به صورت «تنزیه انبیا» به کار گرفته می‌شد یا «تحریف قرآن» که بهتر بود به صورت «شبهه تحریف قرآن» یا «مصونیت قرآن از تحریف» به کار گرفته می‌شد یا دست کم اینها بجز می‌شدند تا باعث اشتباه کاربران نشوند. «کذب انبیا در تبلیغ» باید به «عصمت انبیا در تبلیغ» تبدیل شود. در این بخش موارد زیادی وجود دارد که باید ظاهر اصطلاح تغییر کند، مواردی چون «کفر انبیا»، «معصیت امام»، «ذنوب انبیا»، «ذنوب داود»، «ذنوب یونس»، «ذنوب موسی».

نتیجه‌گیری

ارزش‌های اصطلاح‌نامه کلام اسلامی به‌عنوان اولین اصطلاح‌نامه استاندارد در حوزه دانش کلام اسلامی می‌طلبد که نقاط قوت آن برجسته شود و نقاط ضعف احتمالی آن تبیین گردد تا راهنمایی برای آینده و خروجی‌ها و ویرایش‌های بعدی باشد؛ از این رو نوشتار حاضر پس از بیان نقاط قوت و محاسن اصطلاح‌نامه کلام اسلامی، در دو بخش ساختاری و محتوایی اشکال‌هایی را بر آن وارد دانسته است. در بخش ساختاری ضمن برشمردن اشکال‌های موجود، ساختار پیشنهادی برای رفع نقص‌ها ارائه شد. در بخش محتوایی نیز کاستی‌هایی که در روابط مفهومی به چشم می‌خورد بیان شد، اشکال‌هایی همچون وجود برخی مشترکات لفظی بدون توضیح‌گر، به کارنگرفتن برخی اصطلاحات مشهور، اشتباه در روابط مفهومی (همچون بک و بچ یا اعم و اخص و نیز رابطه وابستگی) و نامناسب بودن شکل و ظاهر برخی اصطلاحات و اشتباه‌انداز بودن آنها. امید است در ویرایش بعدی این موارد مد نظر قرار گیرد و درباره آنها بحث و بررسی شود.

کتابنامه

۱. ابن خلدون (۱۳۹۳ق)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چ ۱۴، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، تعلیقات ابن سینا، چ ۴، قم: بوستان کتاب.
۳. ابن میثم بحرانی، میثم (۱۴۰۶ق)، قواعد المرام فی علم الکلام، چ ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۴. امیرحسینی، مازیار (۱۳۸۶)، «ارزیابی عوامل کمی و کیفی در اصطلاح‌نامه‌های فارسی»، مجله کتاب ماه، س ۱۰، ش ۱۰.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۹۱)، «تعریف علم فقه و علم کلام»، ش ۲: <https://hawzah.net/fa/Question/View/63920>.
۶. جرجانی، سیدمیرشریف (۱۴۱۲ق)، التعریفات، چ ۴، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۷. _____ (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، قم: انتشارات شریف رضی.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، اصطلاح‌نامه کلام اسلامی، قم: بوستان قم.
۹. _____ (۱۴۱۵ق)، شرح مصطلحات کلامیه، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، ریحیق مختوم، قم: انتشارات اسری.
۱۱. حری، عباس و دیگران (۱۳۸۱)، دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱)، هزار و یک کلمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. حسینی تهرانی، هاشم (۱۳۶۵)، توضیح المراد، تهران: انتشارات مفید.
۱۴. سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۹)، شرح المنظومه، تهران: نشر ناب.
۱۵. سجادی، جعفر (۱۳۶۰)، مصطلحات الفلسفیه عند صدرالدین شیرازی، تهران: نهضت زنان مسلمان.

۱۶. شعرانی، ابوالحسن (بی‌تا)، شرح تجرید، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، حقایق الایمان، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸ق)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث.
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، کشف المراد، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. قوشچی، علی بن محمد (۱۳۶۳)، شرح تجرید العقائد، قم: انتشارات بیدار.
۲۱. کازرانی، مریم (۱۳۹۱)، «گزارش نشست ایجاد آنتولوژی بر پایه اصطلاح‌نامه‌های موجود»، سایت خبرگزاری کتاب ایران:

<http://www.ibna.ir/fa/doc/report/137008>

۲۲. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۱)، «میزگرد نقد و بررسی اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا)»، کتاب ماه، س ۶، ش ۶۲.
۲۳. محقق طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۴)، آغاز و انجام، ج ۴، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. _____ (۱۳۷۵)، شرح الاشارات و التنبیها، قم: نشر البلاغه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی